

نگاهی به سیاست داخلی و خارجی میرزا ابوالقاسم فراهانی در عصر قاجار (قائم مقام دوم)

محمد پیری

عضو هیأت علمی تاریخ دانشگاه سیستان و بلوچستان

چکیده

عصر قاجار یکی از دوره‌های مهم تاریخ ایران است؛ زیرا در این دوره ایران ناخواسته وارد مناسبات سیاسی و فرهنگی با کشورهای پیشرفته اروپا گردید و این در حالی بود که هنوز توانمندی‌های لازم فکری، فرهنگی و اقتصادی را در برخورد با کشورهای اروپایی نداشت. همین امر باعث گردید که دولت مردان ایران اغلب در مقابل رفتارهای سیاسی دول اروپایی از خود ضعف‌های عمده نشان دهند که این مسأله هم در سطوح بالای حکومتی، و هم در سطح نخبگان سیاسی ایران قابل درک است و از پیامدهای عمده آن نیز می‌توان به رکود سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران اشاره کرد. با این حال ما در دوره قاجاریه به افرادی بومی خوریم که از آگاهی لازم در برخورد با سیاست‌های دول خارجی برخوردار بوده‌اند و تلاش‌هایی نیز در جهت حفظ منافع ملی انجام داده‌اند. یکی از این افراد ابوالقاسم فراهانی (قائم مقام دوم) می‌باشد؛ قائم مقام هنگامی که وارد عرصه سیاسی ایران گردید در داخل با ظلم و ستم حکام و استبداد شاه و در عرصه خارجی با توسعه‌طلبی کشورهای اروپایی و عوامل داخلی آنها مواجه شد. در این مقاله تلاش شده‌است تا نقش قائم مقام در این دو زمینه مورد بررسی قرار گیرد.

مقدمه

میرزا ابوالقاسم فراهانی (نائم مقام دوم) یکی از چهره‌های مهم و مطرح تاریخ ایران در عصر قاجاریه می‌باشد که فعالیت‌های عمده‌ای در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی انجام داده است. برای شناخت فعالیت‌های قائم مقام ضروری است تا به دست نوشته‌ها و نامه‌های پراکنده و اشعار بجای مانده از وی توجه ویژه داشته باشیم؛ زیرا او در این آثار دیدگاه‌هایش را به روشنی بیان کرده است. به طور کلی فعالیت‌های نائم مقام در دو بعد داخلی و خارجی قابل بررسی است؛ در بعد داخلی، قائم مقام با قشر قابل ملاحظه‌ای از افراد جاه‌طلب که در برابر اصلاحات او مقاومت می‌نمودند و در بعد خارجی با توسعه‌طلبی دول خارجی و عوامل آشکار و پنهان آنان روبرو بود. در این مقاله تلاش شده است با تکیه بر آثار بجای مانده از قائم مقام و نویسندگان داخلی و خارجی به بررسی این دو محور پردازیم.

آغاز فعالیت‌های میرزا ابوالقاسم فراهانی (قائم مقام دوم)

قائم مقام در خانواده‌ای دیده به جهان گشود که از سابقه درخشانی در تشکیلات سیاسی و اداری ایران برخوردار بود؛ اسلاف وی در دوره‌های متعدد، از جمله در عصر صفویه،^(۱) زندیه،^(۲) و قاجاریه عهده‌دار مسؤلیت‌های مهم سیاسی و اجتماعی بودند و پدر او میرزا عیسی فراهانی (نائم مقام اول) یکی از شخصیت‌های مهم سیاسی و اجتماعی عصر قاجار بود.^(۳)

میرزا ابوالقاسم فراهانی دوران تعلیم و تربیتش را در محیط خانواده آغاز کرد و چون دارای هوش و ذکاوت خدادادی بود، تحت تأثیر این محیط، مراحل اساسی رشد و تربیت را گذراند و با تفکرات سیاسی عصر خویش آشنا شد^(۴) او در ابتدای نوجوانی در زمره‌منشیان دربار گردید و سرانجام به مقام وزارت دست یافت. یکی از درخشانترین ادوار زندگی سیاسی میرزا ابوالقاسم فراهانی هنگامی است که وی وزارت عباس میرزا را در آذربایجان بر عهده داشت؛ در همین دوره بود که او با عمده‌ترین مسائل سیاسی مواجه شد و با کاردانی و درایت به حل آنها پرداخت.^(۵)

میرزا ابوالقاسم فراهانی هنگامی که پدرش، میرزای بزرگ، به سامان دادن امور آذربایجان مشغول بود، وکالت او را در دربار شاه، در تهران برعهده داشت و پس از اینکه میرزای بزرگ، قائم مقامی صدارت آذربایجان را در سال ۱۲۲۶ هـ. ق در تهران به دست آورد، او به وزارت آذربایجان منصوب گشت و پس از فوت میرزای بزرگ در سال ۱۲۲۷ هـ. ق میرزا ابوالقاسم به منصب قائم مقامی برگزیده شد و لقب سیدالوزرای یافت.^(۶)

میرزا ابوالقاسم از همان ابتدای کار، از جایگاه مهمی در امور سیاسی برخوردار بود؛ از نامه‌های محمد میرزا چنین پیداست که او از همان ابتدا بر او نفوذ فراوان داشته و محمد میرزا بدون مشورت با او دست به هیچ کاری نمی‌زده است.^(۷) قائم مقام پس از مرگ عباس میرزا، بر اساس تعهدی که به او داده بود، تلاش‌های عمده‌ای انجام داد تا محمد میرزا را جهت به دست آوردن مقام ولایتعهدی در مقابل خیل عظیم شاهزادگان و مدعیان این منصب، کمک و یاری کند و در نتیجه تلاش‌های قائم مقام بود که فتحعلیشاه ولایتعهدی محمد میرزا را تأیید نمود.^(۸)

پس از اینکه فتحعلیشاه در سال ۱۲۵۰ هـ. ق در اصفهان فوت نمود، مدعیان متعددی در گوشه و کنار کشور برای کسب قدرت بپا خاستند. یکی از این افراد ظل‌اسلطان بود که با لقب علیشاه و عادلشاه در تهران بر تخت سلطنت جنوس نمود؛ درمین فردی که ادعای پادشاهی کرد، حسینعلی میرزا فرمانفرما، حاکم شیراز بود؛ برادرش حسنعلی میرزا شجاع‌السلطنه نیز که فرمانروای کرمان را در دست داشت، به حمایت از او برخاست؛ اما قائم مقام با وجود این مدعیان، موفق گردید تا محمد میرزا جانشین قانونی فتحعلیشاه را به قدرت برساند.

قائم مقام پس از سرکوب نمودن این شورشها کلیه فرزندان فتحعلیشاه را به تهران احضار کرد و از حکام ایالات و ولایات خواست تا از محمدشاه اطاعت کنند. اقدامات عملی قائم مقام و نامه‌های او به امراء و بزرگان ایالات و ولایات مختلف تأثیر زیادی در برقراری آرامش ایران بعد از فوت فتحعلیشاه بر جای گذاشت و به واسطه اقدامات وی بود که همه مدعیان مجبور به پذیرش برتری محمدشاه گردیدند.^(۹)

سیاست داخلی میرزا ابوالقاسم فراهانی (قائم‌مقام دوم)

میرزا ابوالقاسم فراهانی، پس از رسیدن به منصب صدارت عظمایی ایران، با جناح‌های سیاسی متعددی که دارای اهداف و آرمانهای متفاوتی بودند، روبرو گردید. او در برخورد با این نیروها تلاش کرد آنها را کنترل نموده و به بی‌نظمی‌های موجود در داخل کشور، که ناشی از رقابت این گروه‌ها بود، پایان بخشد.^(۱۰) همچنین او تلاش کرد از ظلم و ستم حکام و درباریان نسبت به توده مردم بکاهد؛ در این راستا قائم‌مقام اختیارات حکام را کاهش داد و امور دولتی را به کسانی واگذار کرد که از صلاحیت اخلاقی لازم برخوردار بودند.^(۱۱) علاوه بر اقدامات عملی، قائم‌مقام در عرصه فرهنگ و ادب نیز به مبارزه بر علیه ظلم و ستم و ثروت‌اندوزی پرداخته است؛ آنجا که می‌گوید:

به هر دهلیز از صد گنج پرویزت بود پنهان همه رنج و الم آرد چه از جور و ستم باشد
 ز سرحد فراهان تا حدودشوره گل یک جا تیول خاص درگاه تو بر وجه انم باشد
 ورن ملک پر حاصل ترا حاصل چه آخر جز حساب دخل و خرج و اکتساب کیف رکم باشد
 مرا لعنت کن ار با این خیانت پیشه طراران اگر گنج تویم باشد ترا یک قطره نم باشد
 سه عشر و نصف کار و احتکار غله فحط آرد نه خرج موکب شاهی که فیاض النعم باشد^(۱۲)

قائم‌مقام در ادامه سیاست داخلی و ایجاد عدالت اجتماعی، تلاش کرد مانع از اسراف و تبذیر حکام و درباریان شود. او همچنین جلوی بذل و بخشش‌های محمدشاه را گرفت؛ به عنوان مثال هنگامی که محمدشاه به یکی از باغبانهایش بیست تومان پاداش داد، چون این خبر به قائم‌مقام رسید، دستور داد تا باغبان مبلغ ذکر شده را به بیت‌المال برگرداند و به پادشاه نیز پیام داد که از این بذل و بخشش دست بردارد و در جهت حفظ بیت‌المال بکوشد^(۱۳) و چون شاه از این رفتار دست برنداشت او را اینگونه مورد خطاب قرار می‌دهد:

بک ره آخر تو از این پیر خرف گشته بپرس کاین چه افراط و چه تفریط و چه بیداد است^(۱۴)

قائم‌مقام علاوه بر اینکه از واگذاری امور دولتی به افرادی که دارای صلاحیت اخلاقی و

اجتماعی نبودند، جلوگیری کرد، از پرداخت مواجب به کسانی که در انجام امور دولتی ضعف و سستی نشان می دادند نیز خوداری نمود؛^(۱۵) همچنین او در رسیدگی صحیح به امور مردم تأکید داشت و در این مورد شخصاً نظارت می نمود، به گونه ای که طی نامه ای به پسرش می نویسد: «در واقع و نفس الامر تعریف و تحسین تو این است که رقم و کاغذ و نامه خوب نویسی و محاسبه را خوب بررسی و کار در خانه صاحب کار، طوری راه اندازی که مردم به خشنودی از آن در خانه برگردند.»^(۱۶)

علی رغم اینکه نایب مقام و ابسته به حکومت و دارای مقام رسمی دولتی بود؛ ولی در برابر ظلم و ستم شده و حکام از سکوت نکرد و در فرصت های مناسب تلاش نمود تا به افشای بیدادگریهای دستگاه حاکم نسبت به مردم بپردازد، که این حرکت قائم مقام در شکوایتهای او بخوبی قابل لمس می باشد.^(۱۷) اگرچه قائم مقام در راستای خدمت به مردم و رفع گرفتاریهای آنها از دست حکام و درباریان تلاش می کرد، ولی او نیز مانند همه اصلاحگران از طرف همین توده ها و نیروهای حاکم مورد حمله قرار می گرفت؛ اما او از این حرکت آنها رنجیده خاطر نمی گردید و همچنان به حمایت خود از توده مردم ادامه می داد و در جهت پیشبرد این هدف، نه وقت و زمان را می شناخت و نه احساس خستگی می کرد.^(۱۸)

فریزر که در اردوی محمدشاه که به قصد سرکوب شورش های نواحی شرقی و تصرف هران به این سو حرکت کرده بود، حضور داشت اظهار می دارد که پس از رسیدگی قائم مقام به امور کلی و جزئی سپاه ایران، نوبت شکایات مردم رسید. او در بیان شکایات مردم می نویسد: «یکی می گفت محصول او را غلامان شاه برای تهیه علیق اسبها ربوده اند، دیگری می گفت که یکی از سواره ها اسب او را ربوده و خود او را کتک زده است و دیگری می گفت که به زن و عائله او بی احترامی کرده اند و خودش را به بریدن گوش تهدید نموده اند.» فریزر اضافه می کند که من ز خوش خلقی و توجه قائم مقام به شکایات مردم ستم دیده منجیر شدم و توانستم تعجب خود را پنهان سازم.^(۱۹)

فریزر که تلاش های خستگی ناپذیر قائم مقام را مشاهده می نماید، از او سؤال می کند با توجه به اینکه بار اصلی حکومت را بر دوش می کشد، چرا به افراد اجازه می دهد که شکایات جزئی و

مسائل کم‌اهمیت مربوط به اردوی نظامی را نزد او مطرح کنند؛ ولی قائم مقام ضمن تکان دادن سرش از روی تأسف اظهار می‌دارد که «این چیزهای کوچک خیلی بیشتر از چیزهای بزرگ اوقات آدم را تلخ می‌کند.»^(۲۰)

علی‌رغم اینکه قائم مقام از نزدیک بینی چشم رنج می‌برد، بیشتر اوقات خود را صرف خواندن و جواب دادن به نامه‌های متعدد می‌نمود.^(۲۱)

فریزر در ادامه می‌افزاید: «پس از اینکه گفتگوی من با قائم مقام پایان یافت، او دستور شام داد و تا حاضر شدن شام، او همچنان مشغول کار بود. پس از آوردن شام، قائم مقام به این بهانه که حالش مساعد نیست از صرف شام خودداری کرد و مشغول نوشتن دستورها و فرامین گردید، تا اینکه در ساعت ۱۲ شب، در حالی که بشدت خسته بود، از جابر خواست.» فریزر اضافه می‌کند: «چون قرار بود اردوی نظامی ساعت ۴ صبح حرکت کند، من تصور کردم که قائم مقام برای استراحت می‌رود؛ ولی با کمال تعجب مشاهده نمودم که او اظهار داشت که به علت رسیدگی به کارها نمی‌تواند بخوابد.» فریزر می‌افزاید: «پس از ترک قائم مقام به این نتیجه رسیدم که او مردی بزرگ و توانا می‌باشد و قدرت اداره امور کشور را دارا است.»^(۲۲)

قائم مقام در تداوم سیاست داخلی‌اش، شاهزادگان و حکام تجزیه طلب را از بین برد و با اقداماتی که انجام داد، موفق گردید شورش‌های نواحی غرب، جنوب و شمال شرقی کشور را از بین ببرد و از تجزیه ایران جلوگیری کند و وحدت و مرکزیت را دوباره به کشور بازگرداند،^(۲۳) و برای حفظ و بقاء کشور کوشش نمود تا نیروی نظامی قوی بوجود آورد. قائم مقام برای انجام این کار، دست به اصلاح و بازسازی نیروی نظامی ایران زد؛ علی‌رغم مشکلاتی که جنگ با روسیه به وجود آورده بود، قائم مقام موفق شد تا با به‌کارگیری مستشاران خارجی نیروی نظامی ایران را در زمانی کوتاه بازسازی کند.^(۲۴)

قائم مقام تلاش‌هایی نیز در راستای اصلاح ساختار مالی و اقتصادی کشور نمود؛ از جمله به امور مالیاتی کشور سر و سامان داد و وضعیت دخل و خرج دربار را متعادل نمود.^(۲۵) او همچنین تلاش کرد تا حد ممکن اختیارات محمدشاه و دربارانش را کاهش دهد و شاه را کاملاً تحت کنترل خود درآورد تا جایی که شاه بدون موافقت او نمی‌توانست دیناری به افراد یا نوکرانش

ببخشید.^(۲۶) قائم مقام به علما و فضلا احترام می‌گذاشت و در مجالس آنها شرکت می‌کرد؛^(۲۷) ولی نسبت به روحانی‌نماها بی‌اعتنا بود و در محافل سیاسی و دینی با آنها به تندی برخورد می‌کرد،^(۲۸) و از حیف و میل بیت‌المال به دست مستوفیان جلوگیری می‌نمود و در این باره به آنها سخت می‌گرفت.^(۲۹) قائم مقام جلوی کم‌کاری و سهل‌انگاری دیوانسالاران را گرفت و تلاش نمود با برخورد با این گروه، این معضل اجتماعی را حل کند.^(۳۰)

نقش قائم مقام در سیاست خارجی ایران

قائم مقام علاوه بر معضلات داخلی در طول دوران تصدی وزارت و صدارتش در عصر قاجارها، با سیاست توسعه‌طلبی دول روس و انگلیس نیز مواجه بود. روس‌ها که موفق شده بودند در دو مرحله جنگ ایران را شکست بدهند و معاهدات گلستان و ترکمن‌چای را (۲۹ شوال ۱۲۲۸ و ۵ شعبان ۱۲۴۳ ه. ق، ۱۲ اکتبر ۱۸۱۳ و ۲۱ فوریه ۱۸۲۸ م) بر ایران تحمیل نمایند، بر اساس تعهدات ایران در این دو معاهده، خواهان آزادی تجارت و ایجاد کنسولگریهای خود در شهرهای مختلف ایران بودند. انگلیسی‌ها که با انعقاد این قراردادها بین ایران و روس، از رقیب خود در ایران عقب مانده بودند، تلاش می‌کردند با انعقاد قراردادهای سیاسی و تجاری با ایران این عقب‌ماندگی را جبران سازند. پس از فعل و انفعالات فراوان، روس‌ها و انگلیسی‌ها بر سر منافع مشترک در ایران به توافق رسیدند و ایران را برای کسب امتیازات تجاری و سیاسی بیشتر تحت فشار قرار دادند؛^(۳۱) ولی قائم مقام در مقابل این فشارها ایستادگی نمود^(۳۲) و چون با مقاومت دولت انگلیس مواجه گردید، به این دولت اعلام نمود، در صورتی با تأسیس مراکز تجاری و سیاسی موافقت می‌کند که دولت انگلیس قرارداد ۱۸۱۴ میلادی را تجدید نماید. این قرارداد مخالف منافع دولت روسیه در ایران بود و چون در این مقطع زمانی روابط روس و انگلیس حسنه بود و انگلیسی‌ها نمی‌خواستند این روابط دچار اختلال شود، این درخواست قائم مقام را نپذیرفتند^(۳۳) و قائم مقام نیز درخواست‌های دولت انگلیس را رد کرد و در جواب تقاضاهای مکرر دولت انگلیس برای انعقاد معاهده تجاری و سیاسی با ایران اظهار می‌داشت که عقد این قراردادها برخلاف منافع ملی دولت ایران است و باعث رکود ذخایر طلای ایران می‌شود و با

درخواست ایجاد کنسولگریهای این کشور نیز با این استدلال که باعث نفوذ و دخالت بیشتر دولت انگلیس در امور داخلی ایران می شود، به مخالفان پرداخت. (۳۴) ولی دولت انگلیس تلاش نمود تا از طرق مختلف به مقاصدش دست یابد؛ با این حال در این زمینه توفینی نیافت به گونه ای که کمپل، وزیر مختار این دولت در ایران در این زمینه اظهار می دارد، برای قانع کردن قائم مقام به منافع تجاری و قراردادهای بازرگانی استدلالهای متعددی بکار برده است؛ ولی تمام ادله او در قائم مقام بی اثر بوده است. سپس ادامه می دهد، در صورتی که شاه از آزادی عمل لازم برخوردار باشد پیشنهادهای ما را در عقد قرارداد تجاری و سیاسی با دولت انگلیس می پذیرد. (۳۵)

قائم مقام در پی اصرار کمپل برای عقد قرارداد تجاری و سیاسی با ایران به او اظهار می دارد که تابحال با اجرای مفاد عهدنامه ترکمن چای و تأسیس کنسولگریهای دولت روس نیز مخالفت کرده است و در آینده نیز با درخواست های این دولت با تمام توان مخالفت خواهد کرد و انگلیس نباید در موضوعی که تا این اندازه برای ما اهمیت دارد، پافشاری کند و گرنه چه فرقی بین انگلیس ها با روس ها می باشد؛ زیرا روس ها هم عهدنامه ترکمن چای را با زور سرنیزه بر ما تحمیل کردند. (۳۶) در نهایت با این استدلال که هرکجا پای نمایندگی های تجاری و سیاسی این دو دولت در ایران باز شود، سلطه ایران در آن منطقه از بین خواهد رفت، به درخواست دولت انگلستان جواب رد می دهد. (۳۷) قائم مقام که پافشاری نماینده انگلیس را در انعقاد معاهده تجاری و سیاسی می بیند، به او می گوید که عاقبت این امر این است که ایران بین دو شیر قوی پنجه که چنگالهای خود را در بدن آن فرو برده اند تقسیم خواهد شد؛ این در حالی است که ایران به عنوان یک کشور واحد در زیر دندان یک شیر جان به سلامت نمی برد، چه رسد به اینکه پای دو شیر در میان باشد؛ تردیدی نیست که تحت استیلای قدرت آن دو، از پادرمی آید و جان می بازد. (۳۸)

فریزر یکی دیگر از نمایندگان دولت انگلیس که در مذاکرات متعددی با قائم مقام شرکت کرده بود و موفق نشده بود هیچ امتیازی از قائم مقام دریافت کند، به عنوان یک حربه سیاسی به او اظهار داشت که اعطای امتیازات به دولت روسیه در عهدنامه ترکمن چای حکم زهر را دارد و اگر چنین حقی به دولت انگلستان داده شود، حکم پادزهر را خواهد داشت؛ ولی قائم مقام به او اظهار داشت: «آنقدر زهر در بدن بیمار ما اثر کرده که اگر از آن مراقبت نشود، مرگ ما حتمی است و هر

گاه پادزهر تندی بر آن برسد، نه تنها از درد او نمی‌کاهد، بلکه مرگ او را تسریع می‌کند.^(۳۹)

نمایندگان دولت روس و انگلیس که نتوانستند از قائم‌مقام هیچ‌گونه امتیاز سیاسی و تجاری بدست آورند، تلاش گسترده‌ای را جهت مهار سیاسی او آغاز کردند. اینان به وسيله وابستگان آشکار و پنهان خود سعی نمودند محمدشاه را وادار کنند که میدان عمل قائم‌مقام را محدود سازد و امور جاری کشور را از دست او خارج سازد و به وزرای متعدد بسپارد و به جای قائم‌مقام به حل و فصل امور جاری کشور پردازد و شخصاً زمام امور کشور را در دست بگیرد و از مشورت با او نیز خودداری کند و فرامین حکومتی را شخصاً صادر کند.^(۴۰) هدف اصلی نمایندگان روس و انگلیس از تقسیم کار و ایجاد وزارت خانه‌های متعدد، بخاطر طرفداری آنها از اصلاحات سیاسی و اجتماعی در درون ایران نبود؛ بلکه اینان دریافته بودند که اکثر رجال، غیر از قائم‌مقام را می‌توانند با بهای اندک بخرند؛ لذا تلاش نمودند که امور کشور را از دست او خارج سازند و در اختیار وابستگان سیاسی خود قرار دهند و از این طریق سلطه خود را بر جامعه ایران تحکیم سازند.^(۴۱) علاوه بر این چون آنها می‌دانستند که محمدشاه فردی ضعیف‌النفس است و به آسانی تسلیم خواسته‌های آنها می‌شود، به تحریک او بر علیه قائم‌مقام و بدست گرفتن زمام امور پرداختند تا از این طریق سیاست کشورشان را بر ایران تحمیل کنند.^(۴۲)

قائم‌مقام که به زیرکی به این موضوع پی برده بود، تلاش کرد از تماس نمایندگان روس و انگلیس با محمدشاه جلوگیری کند. واتسون در این زمینه می‌گوید که شاه کاملاً زیر نظر قائم‌مقام قرار دارد و او اجازه نمی‌دهد که کسی بدون اطلاع او با شاه ملاقات کند. واتسون پس اضاانه می‌کند که قائم‌مقام تمام امور را در دست دارد و به اندازه‌ای که کاردینال (ریشلیو) بر لویی چهاردهم نفوذ دارد، او نیز بر محمدشاه سیطره دارد.^(۴۳) روس‌ها و انگلیس‌ها برای در هم شکستن قائم‌مقام اخبار و اطلاعات نادرست را در بین مردم و دربار پخش می‌کردند و به این ترتیب، شاه را نسبت به او بدبین نمودند و تلاش کردند با این حربه او را از صحنه سیاسی ایران خارج سازند.^(۴۴) قائم‌مقام علی‌رغم کارشکنی‌های گروه‌های خارجی و داخلی، تلاش کرد تا کشور ایران را از نظر سیاسی هم‌سطح کشورهای بزرگ جهان بالا بکشد و برای این کار او سعی نمود سفارت‌خانه‌های دائمی ایران را در کشورهای بزرگ جهان تأسیس کند.^(۴۵)

در برخورد با کشورهای اسلامی، سیاست کلی قائم مقام بر حل اختلافات بین کشورهای اسلامی استوار بود؛ بر همین اساس او سعی کرد اختلافات بین ایران و عثمانی را از طریق گفتگو حل و فصل نماید و از جنگ و خونریزی بین دو کشور مهم اسلامی، که به نفع روس و انگلیس، و به ضرر جهان اسلام بود، جلوگیری کند. قائم مقام در این زمینه می‌نویسد: «لکن حالا هم باز منظور ما جز این نیست که تا توانستیم رشته صلح را از دست ندهیم و تاممکن است، باز آخر این کار به صلح و صلاح ختم کنیم؛ چرا که مشغول شدن ما و رومی به هم، باعث فراغت کفره روس است که دشمن هر دو دولت است و مزید احتیاط هر دو طرف آرزو می‌شود و در حکم آن است که ما خود العیاذ بالله باعث ضنف اسلام و قوت کفر شویم.»^(۴۶)

قائم مقام در زمینه تجارت خارجی تلاش کرد که از ورود کالاها و فرآورده‌های صنعتی اروپا به داخل ایران جلوگیری کند؛ در عوض او مصرف فرآورده‌های داخلی را تشویق می‌نمود و از هیچ‌گونه مساعدتی نسبت به تولیدکنندگان داخلی خودداری نمی‌کرد و کمک‌های مالی نیز در اختیار آنها قرار می‌داد و تأکید می‌نمود که درباریان به جای مصرف پارچه‌های خارجی، به تدریج پارچه‌های پشمی ایران و شالهای کرمان را مصرف نمایند^(۴۷) و برای جلوگیری از دسائیس و تحریکات دول خارجی و عوامل داخلی آنها، سعی نمود افرادی را به عنوان جاسوس در میان آنها بکارگیرد تا فعالیت‌های آنها را زیر نظر بگیرند و اخبار و اطلاعات را به او گزارش دهند.^(۴۸)

نتیجه‌گیری

به طور کلی می‌توان گفت که سیاست‌های میرزا ابوالقاسم فراهانی (قائم‌مقام دوم) در دوره‌ای که وزارت عباس میرزا بر عهده داشت و در مدت کوتاه صدارت محمدشاه قاجار، باعث شد تا در مقطع کوتاهی، جلوی اسراف و تبذیر حکام، اشراف و درباریان اعم، از شاه و شاهزادگان گرفته شود. قائم‌مقام تلاش کرد عوامل فاسد داخلی و وابستگان به سیاست‌های دول خارجی را از دستگاه حکومتی طرد کند و امور جاری کشور را به افرادی با کفایت محول کند. سیاست خارجی قائم‌مقام نیز باعث گردید که جلوی توسعه‌طلبی دولت روس و انگلیس در ایران گرفته شود؛ همچنین مبارزه پیگیر قائم‌مقام با سیاست‌های تجاری و اقتصادی روس و انگلیس و پشتیبانی او

از تولیدکنندگان داخلی، زمینه تعادل تجاری و اقتصادی ایران را با این دو کشور فراهم آورد. سیاست‌های قائم‌مقام در امور داخلی نیز باعث حفظ منافع ملی و جلوگیری از سوء استفاده حکام و درباریان گردید و در زمینه سیاست خارجی نیز باعث شد عوامل خارجی از دستگاه‌های حکومتی طرد شوند؛ ولی همین محدودیت‌هایی که او برای جلوگیری از توسعه‌طلبی کشورهای خارجی و سوء استفاده حکام و درباریان ایجاد کرد، باعث گردید تا گروه‌های داخلی و خارجی که حضور او را در مقام صدارت محمدشاه برای منافع خود خطرناک می‌دیدند، به گونه‌ای متحد برای از بین بردن او تلاش کنند و در نهایت نیز موفق شدند فرمان قتل او را از محمدشاه قاجار بگیرند، و بدین ترتیب این مرد بزرگ، در آخر صفر ۱۲۵۱ ه.ق، اواخر ژوئن ۱۸۳۵ م. به فرمان محمدشاه قاجار به قتل رسید.

منابع و یادداشتها

- ۱- حبیب‌آبادی، محمدعلی: مکارم الآثار در احوال دوره قاجار، جلد دوم، اصفهان، انتشارات نفائس، چاپ اول ۱۳۴۲، ص ۴۴۱. همچنین ر.ک؛ مصاحب، غلامحسین: دایرةالمعارف فارسی، تهران، انتشارات فراکلین، چاپ دوم، ۱۳۵۶، ص ۱۹۸۶.
- ۲- اعتضادالسلطنه، علی‌قلی میرزا: اکسیرالتواریخ، به کوشش جمشیدکیانفر، تهران، انتشارات سیمین، چاپ اول، ۱۳۷۰، ص ۳۹۶.
- ۳- دنبلی، عبدالرزاق: نگارستان دارا، به کوشش ع، خیام‌پور، تبریز، شرکت چاپ کتاب، چاپ اول، ۱۳۴۲، ص ۱۱۴ و همچنین ر.ک؛ اعتمادالسلطنه، محمدحسین: صدرالتواریخ، به کوشش محمد مشیری، تهران، انتشارات، روزبهان، چاپ دوم، ۱۳۵۷، ص ۱۴۶.
- ۴- سیمونیچ، ای، او: خاطرات وزیر مختار، ترجمه یحیی آرین‌پور، تهران: انتشارات پیام، چاپ اول، ۱۳۵۳، ص ۵۹.
- ۵- دنبلی، عبدالرزاق: نگارستان دارا، ص ۴۷. همچنین ر.ک؛ محیط طباطبایی، محمد: قائم‌مقام شاعر مبدع، مجله گوهر، شماره ۱، سال ۵۲، ص ۹۹۲.

- ۶- صفایی، ابراهیم: نقش قائم‌مقام در حفظ وحدت ایران، مجله گوهر، دوره ۲، شماره ۵، ۱۳۵۲، ص ۴۵۷.
- ۷- همان منبع، ص ۴۵۸.
- ۸- لمبتون، آ.ک.س: ایران عصر قاجار: ترجمه سیمین وضعی، مشهد، انتشارات جاودان خرد، چاپ اول: ۱۳۵۷، ص ۳۶. همچنین ر.ک ابراهیم صفایی: نقش قائم‌مقام در حفظ وحدت ایران، صص ۴۵۸-۴۵۹.
- ۹- لمبتون: ایران عصر قاجار، ص ۲۸. همچنین ر.ک؛ ابراهیم صفایی: نقش قائم‌مقام در حفظ وحدت ایران، ص ۴۶۱.
- ۱۰- صفایی، ابراهیم: نقش قائم‌مقام در وحدت ایران، ماهنامه گوهر، ۱۳۵۲، دوره ۲، شماره ۵، صص ۴۶۱-۴۵۶، و همچنین ر.ک؛ محمد ابراهیم باستانی پاریزی: گرفتاریهای قائم‌مقام در یزد و کرمان، ماهنامه یغما، ۱۳۵۵، دوره ۲۹، شماره ۱، و ماهنامه یغما، ۱۳۶۵، دوره ۳۱، ش ۲، ۲، ۴، ۵، ۶، ۷ و ۸.
- ۱۱- فراهانی، میرزا ابوالقاسم: منشآت قائم‌مقام فراهانی، به کوشش بدرالدین یغمایی، تهران، انتشارات شرق، چاپ دوم، ۱۳۷۳، کنفرانس یحیی دولت‌آبادی، ص ۳۲.
- ۱۲- فراهانی، میرزا ابوالقاسم: دیوان اشعار، به سعی و اهتمام، سید بدرالدین یغمایی، تهران، انتشارات شرق، چاپ دوم، ۱۳۷۳، ص ۵۸.
- ۱۳- اعتماد السلطنه، محمدحسین: صدارالتواریخ، ص ۱۳۷۰.
- ۱۴- فراهانی، میرزا ابوالقاسم؛ دیوان اشعار، ص ۶۱.
- ۱۵- فراهانی، میرزا ابوالقاسم: منشآت قائم‌مقام فراهانی، ص ۳۸۱.
- ۱۶- همان منبع، ص ۳۸۱.
- ۱۷- مدرس چهاردهی، مرتضی: شکایت‌نامه میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام فراهانی. ارمغان، ۱۳۵۶، دوره ۴۶، شماره ۹، ص ۳۸.
- ۱۸- فراهانی، میرزا ابوالقاسم: منشآت، ص ۲۵۲.
- ۱۹- فریزر، جمیز بیلی: سفرنامه فریزر، ترجمه منوچهر امیری، تهران، انتشارات توس، چاپ اول، ۱۳۶۴، ص ۲۸۱.

- ۲۰- همان منبع، ص ۲۸۰.
- ۲۱- همان منبع، ص ۲۸۲.
- ۲۲- همان، منبع، ص ۲۸۲.
- ۲۳- صبغمی، محمدجواد: هزاودزادگاه امیرکبیر، تهران: مؤسسه علمی اندیشه جوان، چاپ اول، ۱۳۶۸، ص ۲۶۸.
- ۲۴- قائم مقام فراهانی، سیدعبدالمجید: خاطرات میرزای بزرگ فراهانی، تهران: انتشارات اقامه البرهان، چاپ اول، ص ۴۱. همچنین ر. ک؛ سیمونیچ، خاطرات وزیر مختار، ص ۷۵.
- ۲۵- آدمیت، فریدون: سرنوشت قائم مقام. مجله سخن، ۱۳۴۴، دوره ۱۶، شماره ۲، ص ۱۸۵.
- ۲۶- قاجار، علی: داستان قاجار، ترجمه ناعلی همدانی، انتشارات سیمرغ، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۹، ص ۲۹۸ و همچنین ر. ک؛ واتسن کرانت: تاریخ قاجار، ترجمه عباسعلی آذری، بی تا، چاپ اول، تهران، ۱۳۴۰، ص ۱۹۲. همچنین ر. ک؛ فریزر، جمیلی، سفرنامه فریزر، ص ۱۲۴.
- ۲۷- نجمی، ناصر: ایران در میان طوفان یا شرح زندگانی عباس میرزا، انتشارات کانون معرفت، چاپ اول، تهران، ۱۳۳۶، ص ۲۹.
- ۲۸- فراهانی، میرزا ابوالقاسم: منشآت قائم مقام، صص ۱۱۱-۱۱۲.
- ۲۹- آدمیت، فریدون: سرنوشت قائم مقام، مجله سخن، دوره ۱۶، شماره ۲، ص ۱۸۵.
- ۳۰- استعلامی، محمد: بررسی ادبیات امروز ایران، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ پنجم، ۱۳۵۶، ص ۳۶.
- ۳۱- مدنی، سیدجلال الدین: تاریخ تحولات سیاسی و روابط خارجی ایران، قم، دفتر انتشارات اسلامی، بی تا، صص ۲۴۹-۲۴۶.
- ۳۲- قائم مقام فراهانی؛ میرزا ابوالقاسم: نامه های پراکنده، به کوشش جهانگیر قائم مقامی، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، چاپ اول، ۱۳۵۷، ص ۲۰۳.
- ۳۳- قائم مقام، جهانگیر: تاریخ تحولات سیاسی و نظامی ایران، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ اول، ۱۳۲۶، صص ۴۶-۴۵.

- ۳۴- طاهری، ابوالقاسم: تاریخ روابط بازرگانی و سیاسی انگلیس و ایران از دوره فرمانروایی مغول تا پایان عهد قاجاریه، انتشارات انجمن آثار ملی، چاپ اول، تهران ۱۳۵۴، ص ۵۹.
- ۳۵- راثین، اسماعیل: حقوق بگیران انگلیس در ایران، انتشارات جاودان، چاپ ششم، تهران، ۱۳۵۶، ص ۵۹ و همچنین رک: آدمیت، فریدون، سرنوشت قائم مقام، مجله سخن، دوره ۱۶، شماره ۲، ص ۱۷۶.
- ۳۶- آدمیت، فریدون: سرنوشت قائم مقام، مجله سخن، دوره ۱۱، شماره ۲، صص ۱۸۱-۱۸۰.
- ۳۷- لمبتون، آ.ک.س: ایران عصر قاجار، صص ۱۷۲-۱۷۳.
- ۳۸- آدمیت، فریدون: سرنوشت قائم مقام، ص ۱۸۱.
- ۳۹- همان منبع، ص ۱۸۱.
- ۴۰- همان منبع، ص ۱۸۱.
- ۴۱- باستانی پاریزی، محمدابراهیم: آسیای هفت سنگ، انتشارات دانش، چاپ اول، ۱۳۴۶، ص ۳۳۹.
- ۴۲- گرمودی، میرزافتاح: سفرنامه میرزافتاح به اروپا در زمان محمدشاه قاجار، به کوشش فتح‌الدین فتحی، انتشارات بابک، چاپ اول: تهران، ۱۳۴۷، ص ۵۶۳.
- ۴۳- سیمویچ، ای. او: خاطرات وزیر مختار، ص ۴۴.
- ۴۴- ستوفی، عبدا...: شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه، انتشارات تابان، چاپ اول، ۱۳۴۰، صص ۴۳-۴۴.
- ۴۵- فراهانی، میرزاابوالقاسم: نامه‌های پراکنده، جلد ۱، ص ۲۰۳.
- ۴۶- فراهانی، میرزاابوالقاسم: مشآت، ص ۲۵۵.
- ۴۷- نصر، تقی: ایران در برخورد با استعمار، تهران، انتشارات شرکت مؤلفان و مترجمان، چاپ اول، ۱۳۶۳، ص ۳۹۰.
- ۴۸- آدمیت، فریدون: امیرکبیر و ایران، تهران، انتشارات خوارزمی، چاپ ششم، ۱۳۶۱، ص ۵۶.
- همچنین رک: گرمودی، میرزافتاح: سفرنامه میرزافتاح به اروپا، ص ۱۴۱.